

## عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات

فاطمه شیرچی<sup>۱</sup>، روزینا نصرالهی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات به روش تحلیلی - اسنادی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند عوامل وراثتی و غیروراثتی در رفتار انسان تأثیرگذارند، علت تامه نیستند و اختیار انسان را نفی نمی‌کنند. انسان با اراده و انتخاب خود، اعمالش را برمی‌گزیند و پاداش یا جزای او نیز بر همان اساس تعیین می‌شود. عوامل ماوراءطبیعی مانند نیت، ایمان و باور می‌توانند نقش علت تامه در رفتار انسان داشته باشند. سعادت یا شقاوت انسان نتیجه انتخاب‌ها و اعمال اوست که از اعتقادات و باورهای سرچشمه می‌گیرد. همچنین یافته‌ها نشان داد اختیار نقش محوری در شاکله انسان دارد و پاداش و عقاب الهی مبتنی بر انتخاب‌های آگاهانه انسان است. بنابراین، انسان موجودی مسئول و انتخاب‌گر است که با اعمال و باورهای خود سرنوشت خویش را می‌سازد و عوامل معنوی بیش از عوامل مادی مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** شاکله انسان، عوامل وراثتی و غیروراثتی، ماوراءطبیعت، اختیار، نیت، ایمان، سعادت و شقاوت، رفتار انسان.

---

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: r.shirchi206@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: rozenasr123@gmail.com

## ۱. مقدمه

انسان برای رسیدن به لقای پروردگار و سعادت حقیقی، ناگزیر به تلاش و انجام اعمال صالح است. رفتار انسان متأثر از شاکله اوست؛ یعنی هر عملی متناسب با اخلاق و سرشت آدمی صادر می‌شود. شاکله، همچون روح در بدن، با اعمال و رفتار انسان نمایان می‌شود. عوامل وراثتی و غیروراثتی، اگرچه در حد اقتضا بر رفتار مؤثرند، علت تامه نیستند. در مقابل، عوامل ماوراءطبیعی از جمله نیت، ایمان و باورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شاکله و رفتار فرد دارند. اگر وراثت و ویژگی‌های شخصیتی، علت تامه رفتار انسان بودند، هدایتگری انبیاء و نقش بشیر و نذیر آنان در اصلاح انسان‌های دارای صفات منفی، بی‌معنی می‌بود. همچنین اگر تأثیر صفات شخصیتی به صورت علت تامه بود، قرآن دعوت عام به دین حق را ضروری نمی‌دانست. بنابراین، شاکله هر فرد گرچه تحت تأثیر عوامل گوناگون است، اما اختیار انسان در آن نقش اساسی دارد و سعادت یا شقاوت او ناشی از انتخاب‌ها و عملکرد خود اوست. این نکته افراد صالح را از غرور و اعتماد به توانایی‌های شخصیتی بازمی‌دارد و افراد گرفتار را به امید و تلاش برای اصلاح نفس ترغیب می‌کند.

پژوهش حاضر با عنوان «عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات» با رویکرد بنیادی و به روش تحلیلی-اسنادی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شد که ضمن مرور مطالعات پیشین، عوامل مؤثر بر شاکله انسان در سه دسته وراثتی، غیروراثتی و ماوراءطبیعی بررسی شد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی شاکله

«شاکله در لغت به معنای سجه و طبیعت تعریف شده است. اصل شاکله از شکل به معنی بستن دابه است و شکال به کسر شین چیزی است که اسب را با آن می‌بندند و آنگاه شاکله را عادت و سجه‌ای که شخص را مقید کرده، گفته است». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۳۴۵/۲) «در مجمع، شاکله را طریق و مذهب گفته و آنگاه آن را طبیعت و خلیقت معنی کرده است» (الطریحی، ۱۳۶۲، ۴۰۲/۵). همچنین «هر کس روی عوامل مخصوصی، استعداد و طبیعتی کسب می‌کند، اعمال و

کارهایش مطابق همان طبیعت از وی صادر می‌شوند، عوض کردن آن گرچه بسیار مشکل است، ولی سلب اختیار نمی‌کند» (قرشی، ۱۳۸۱، ۶۵/۴).

در فرهنگ معاصر میانه، شاکله به معنای هیئت، ریخت، بافت، تهیگاه، خاصه (قیم، ۱۳۹۱، ص ۴۸۹) و در فرهنگ بزرگ جامع نوین، شاکله به معنای صورت، کناره، راه و روش، نیت، طرف، مذهب، عقل و خرد، تهیگاه، سفیدی بنا گوش، پوست مابین کناره، تهیگاه و زانوی اسب آورده شده است (معلوف، ۱۳۸۰، ۵۸/۱) در اصطلاح نیز برخی مفسران شاکله را به معنای «نیت» دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۳/۲۱۳؛ القمی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲/۲۶)؛ یعنی هر کس مطابق نیت خود عمل می‌کند. برخی دیگر شاکله را به معنای «عادت و روش» دانسته‌اند (طبرسی ۱۴۱۲ ه.ق، ۶/۶۷۳)، اما روشن است که در شرایط یکسان، رفتار انسان شجاع با ترسو، بخشنده با بخیل و زیرک با ابله یکسان نخواهد بود؛ زیرا شاکله و شخصیت هر یک از این افراد، متفاوت است و مجموعه ویژگی‌های فرد است که رفتارهای او را شکل می‌دهد. همان‌گونه که در ضرب‌المثل فارسی نیز آمده است: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»؛ رفتار انسان‌ها، نماینده آن شخصیت و نیز افکار و عادات و خلقیاتی است که در ضمیر فرد، ثابت و راسخ شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹۰/۱۳). نقش چیزی را کشیدن و به صورت درآوردن و چیزی را شکل دادن، از این است شاکله در آیه «قل کل يعمل علی شاکلته فریکم أعلم بمن هو أهدی سبیلاً؛ بگو هرکس بر وفق بیئته و محیط و جامعه شکل دهنده‌اش عمل می‌کند» (اسراء: ۸۴).

تأثیر فرهنگ جامعه محل زندگی در مغز و فکر، قهری و طبیعی است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ۳۴۱۶/۵) آیه «قل کل يعمل علی شاکلته فریکم أعلم بمن هو أهدی سبیلاً» (اسراء: ۸۴) یعنی، هرکسی بر نهاد و سرشتی که او را مقید کرده، عمل می‌کند؛ زیرا قدرت طینت و سرشت بر انسان غالب و قاهر است آن‌طور که پیامبر ﷺ فرموده است: «کل میسر لما خلق له» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۳۴۵/۲). احتمال قوی آن است که این کلمه به معنی مثل و شبیه است یعنی، عمل آدمی هم شکل طبیعت اوست. قریب به این آیات است: «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها» (روم: ۳۰) و «ثم السبیل یسر» (عبس: ۲۰) بنابراین که مراد از سبیل راه

حق و دین فطری باشد. (قرشی، ۱۳۸۱، ۶۵/۳) براین اساس، بین نظرات دانشمندان و صاحب نظران، تفاوت عمده در این تعاریف به چشم نمی‌خورد.

## ۲-۲. عوامل مؤثر بر شاکله انسان

از آنجا که در تربیت، اصالت با فطرت است، هر انسانی می‌تواند عوامل بیرونی را پس زند و روی به کمال مطلق نماید و تربیت فطری بشود، اما عوامل مؤثری وجود دارند که شاکله انسانی را سامان می‌دهند که با تربیت آن عوامل، نتیجه مطلوب‌تری حاصل خواهد شد.

### ۲-۲-۱. عوامل وراثتی

وراثت عبارت است از: نیروی طبیعی در موجود زنده که توسط آن، صفات از اصل به نسل منتقل شود و این صفات به طور مثبت و منفی در افراد اثرگذار است. در بیان این موضوع امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «نیکویی اخلاق، دلیل پاکی و فضیلت ریشه خانوادگی است» (فلسفی، بی تا، ۳/۳۹۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۱۹۷). بی شک شرافت وراثت در تربیت فطری تأثیر بسزا خواهد داشت: «براستی مواسات با دوستان و یکسان گرفتن خود با آنان از نیکویی اصل و وراثت است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۱۴). امام علی علیه السلام درباره اهمیت وراثت که انسان می‌تواند با وراثتی ناپاک به پاکی گراید خطاب به معاویه چنین فرمود: «درست است که تبار ما یکی است، اما امیه در پایه هاشم نیست، و ابوسفیان را با ابوطالب قیاس نتوان کرد. خاندانی را که نسبی است شایسته، همچون کسی نیست که خود را بدان خاندان بسته. بد پسری که پیرو پدر شود و در پی او به آتش دوزخ در شود!». (رضی، ۱۴۱۴ ه.ق، نامه ۱۷). بنابراین عوامل وراثتی بر شاکله انسان تأثیرگذار است. اینک مهم‌ترین نمونه عوامل وراثتی بیان می‌شود:

**اول صفات اخلاقی:** شاکله انسان‌ها از مجموعه‌ای از صفات اخلاقی پسندیده و ناپسند تشکیل می‌شود. صفات اخلاقی پسندیده در علم اخلاق «فضایل» و صفات ناپسند «رذایل» نامیده شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵) رفتارهای آدمی غالباً از این صفات اخلاقی سرچشمه گرفته است. شاکله انسان‌ها، همان سرشت و طبیعتی است که شخصیت هر فرد بدان

شکل می‌گیرد. با شکل‌گیری شاکله انسان، رفتارهای او متناسب با آن شاکله یا طبیعت صادر خواهد شد (طوسی، ۱۴۳۱ ق، ۵۱۴/۶) یکی از عوامل شکل‌دهنده شاکله، خلق و خوی آدمی نام دارد. از این‌رو شاکله بر رفتار تأثیر می‌گذارد؛ زیرا خلقیات بخش اصلی شاکله انسان را تشکیل خواهند داد.

اما دقت در این نکته لازم است که برخی از صفات اخلاقی تشکیل‌دهنده شاکله انسان، منشأ غیراختیاری مانند وراثت دارد و برخی نیز برخاسته از اراده و اختیار خود آدمی است، یعنی صفات اخلاقی انسان که بخشی از شاکله او را تشکیل می‌دهند، می‌توانند شکل‌گرفته از اختیار انسان باشند و یا بدون اختیار در ضمیر او نهادینه شوند. پس انسان در تعدیل و تغییر صفات اخلاقی خویش، صاحب اختیار است و با عزم و اراده می‌تواند برای اصلاح ویژگی‌های اخلاقی خود گام بردارد و به دنبال آن شاکله خود را تغییر دهد تا متناسب با آن تغییر، رفتارش نیز تغییر یابد (فضل الله، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۱۶/۱۴)، یعنی صفات اخلاقی وراثتی در نوع رفتار و ایجاد خلق و خوی انسان نقش زیادی دارد، اما هرگز اختیار فرد را از او نمی‌گیرد و او را مجبور به انجام رفتار یا برگزیدن اخلاقی خاص نخواهد کرد.

## ۲-۲-۲. عوامل غیروراثتی

عوامل غیروراثتی مجموعه‌ای از عوامل محیطی و خارجی هستند که انسان را احاطه کرده و از آغاز حیات تا پایان زندگی بر او تأثیر می‌گذارند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸). این تأثیر فراتر از حد اقتضا نمی‌رود و نمی‌تواند علت تامه رفتار انسان باشد؛ زیرا انسان با اختیار و اراده خود می‌تواند بر این تأثیرات فائق آید و رفتار خویش را شکل دهد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۹۴). با این حال، اهمیت این عوامل بر زندگی انسان قابل انکار نیست و تأثیر آنها بدیهی و ملموس است (ایازی، ۱۳۹۸، ص ۶۷). مهم‌ترین عوامل غیروراثتی عبارتند از:

**اول) خانواده:** در اسلام، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش مؤثری در شکل‌گیری شاکله انسان ایفا می‌کند. تأثیر خانواده از دوره جنینی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. در دوره

بارداری، اسلام به تأثیر تغذیه و حالات روانی و عاطفی مادر بر جنین توجه ویژه دارد. همچنین از جنبه معنوی مادر و نوع تغذیه وی نیز در شکل‌گیری اخلاق و هوش فرزند یاد شده است. برای نمونه، تأثیر تغذیه مادر بر خوش خلقی و هوش فرزند و خوردن «میوه به» بر زیبایی او ذکر شده است (عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۶/۵؛ عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۴/۱۵). پس از تولد، تأثیر والدین ادامه می‌یابد و شامل اجرای سنت‌های هنگام تولد مانند گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، کام برداشتن با تربت امام حسین علیه السلام یا خرما، عقیق‌گذاری، نام‌گذاری نیکو، ولیمه و تراشیدن موی سر با صدقه دادن متناسب با وزن موسی سر نوزاد است (عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۶/۱۵ - ۱۴۹). این اقدامات که بیشتر جنبه اجتماعی دارند، نگاه مثبت دیگران را به نوزاد جلب کرده و حرمت او را حفظ می‌کند و به شکل‌گیری شاکله کودک کمک می‌نماید.

تأثیر والدین در دوره نوزادی و به‌ویژه در دوره تمیز، که کودک توانایی تشخیص خوبی از بدی را دارد، بسیار برجسته است. والدین در این مرحله مسئول آموزش و آگاهی‌بخشی به فرزندان هستند. این تأثیر همچنان در دوره جوانی، در انتخاب همسر و شغل نیز ادامه دارد. (همت‌بناری، ۱۳۸۶، ۹/۱۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۸). هماهنگی والدین در تربیت مذهبی و اخلاقی فرزندان و نیز هماهنگی خانه، مدرسه و فرهنگ اجتماعی، موجب رشد سریع‌تر گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان می‌شود (سعدی‌پور، ۱۳۷۷، ص ۸۲). بنابراین، خانواده نخستین و مهم‌ترین محیط تربیتی است که شاکله انسان را سامان می‌دهد و هرچه محیط خانوادگی از محبت، اعتدال و آرامش بیشتری برخوردار باشد، شاکله تربیتی مطلوب‌تری شکل می‌گیرد. امیرالمؤمنان علی علیه السلام درباره اهمیت تربیت و وراثت نیز به مالک اشتر سفارش می‌کند: «از آنان (فرماندهان و مدیران) کسانی را بگمار که صاحب مروت‌اند و گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسا و سابقتی نیک برخوردارند» (سید رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳).

**دوم، رفاقت:** اسلام به تأثیر همسالان و دوستان نیز توجه ویژه دارد. دوست می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر شخصیت فرد داشته باشد و او را به آیین و روش خود سوق دهد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انسان بر آیین و روش دوستش زندگی می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۱، ۳۷۵/۲). امیرالمؤمنان،

علی علیه السلام، نیز درباره دوستان ناصالح تأکید نموده است: «با دوست بد همنشین نشو؛ زیرا طبع تو بدی را از طبع او می‌گیرد و تو خود نمی‌دانی» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۲۰/۲۷۲). انسان موجودی اجتماعی است و از طریق رفاقت، نیاز فطری خود را پاسخ می‌دهد و در عین حال تأثیر و تأثر می‌پذیرد. امیرالمؤمنان علیه السلام فرموده است: «بیشترین صلاح و درستی در همنشینی با خردمندان و عاقلان است» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۲/۶۲۶). از این رو، انتخاب دوست و همراه باید براساس خرد و صلاحیت باشد؛ زیرا دوستان تأثیر مستقیم بر شاکله انسان و تشخیص راه سعادت از شقاوت دارند.

**سوم) نظام آموزشی:** هرچند در صدر اسلام مدارس امروزی وجود نداشت، اما مراکزی مانند مساجد هم محل عبادت و پرورش معنوی و هم محل آموزش بودند و نقش مهمی در شکل‌گیری شاکله افراد داشتند. قرآن می‌فرماید: «فیه رجال یحبون أن یتطهروا» (توبه: ۱۰۸)، اشاره به افراد پاکیزه و تعلیم‌پذیر در مسجد دارد. نقش معلم در شکل‌گیری شاکله انسان برجسته است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را معلم بشر معرفی کرده است (هندی، ۱۴۰۹، ۱/۱۶۹). قرآن نیز تعلیم و تربیت افراد را از مهم‌ترین وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است: «هو الذی بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلو علیهم آیاتهِ و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» (جمعه: ۲). بنابراین، نقش مربیان و معلمان در هدایت و تربیت شاکله انسان روشن است.

**چهارم) علوم دینی:** دین نه تنها مسائل عبادی، بلکه امور دنیوی مانند خانواده، ازدواج، طلاق، تجارت و خوراک و نوشیدنی را نیز هدایت می‌کند و جهت حرکت انسان را مشخص می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۴۰۳، ۱/۶۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «دانش، منشأ هرگونه خیری است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۰، ۱/۳۹). امام علی علیه السلام نیز فرمود: «دانش، زندگی و درمان است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۰، ۱/۴۷) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دانش با عمل همراه است؛ پس هر که دانست و عمل کرد، دانشش سودمند است و اگر عمل نکند، دانش از او جدا می‌شود» (کلینی، ۱۳۸۱، ۱/۲۷). بنابراین، فراگیری علوم دینی برای رسیدن به سعادت واقعی ضروری است؛ زیرا بر شاکله انسان و رفتار و کردار او تأثیر مستقیم دارد.

پنجم) جغرافیا: محیط جغرافیایی در شکل‌گیری جسمی و روحی انسان تأثیرگذار است. صحرانشینان سخاوتمند و شجاع، کوه‌نشینان بزرگواری و استقلال طلب، کشاورزان اهل رضا و قناعت و ساحل‌نشینان بردبار و ملایم هستند. (ابن خلدون، ۱۹۰۸، ۱/۱۰۸) امیرالمؤمنان، علی علیه السلام، درباره مردم بصره فرمود: «سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است؛ خردهایتان اندک و سفاهت در شما نمایان، نشانه تیر بلایید و طعمه لقمه ربایان و شکار حمله‌کنندگان» (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۴). بنابراین، محیط جغرافیایی عامل تربیتی مؤثر بر شاکله انسان است.

ششم) سختی‌ها: تنعم و ناز پروردگی توفیق بارور شدن بسیاری از استعداد‌های کمالی را می‌گیرد و تا وجود خرد نشود، تکامل حاصل نخواهد شد. سختی‌ها سبب ظهور صفات باطنی و نیروهای نهفته وجود انسان می‌شود و انسان به حقیقت خود، روی خواهد آورد. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶) بنابراین، سختی‌ها انسان را از نقص به کمال سیر می‌دهد و ظهور حقیقت ملکوتی انسان را در پی دارد. گوهر انسان‌ها در آزمایشگاه دگرگونی احوال معلوم خواهد شد (رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، حکمت ۲۱۷). امیرمؤمنان علیه السلام درباره یک حقیقت تربیتی بیان کرد: «به درستی پاداش بزرگ همراه با بلای بزرگ است، هرگاه خدای سبحان قومی را دوست بدارد، آنان را به سختی گرفتار می‌نماید» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۲/۵۲۷). با توجه به نظام تربیت دین و نگاهی درست به سختی‌ها، از آنها در جهت بالندگی و تعالی بهره می‌بریم. بنابراین، با عبادت‌ها و تمرین‌های مکرر که با سختی مطبوع فطرت توأم است، استعداد‌های فرد در جهت کمال مطلق شکوفا خواهد شد.

در سخنان والای امیرمؤمنان علیه السلام در مورد سختی‌ها این گونه بیان شده است: «لیکن خداوند بندگانش را با سختی‌های گوناگون می‌آزماید و با مجاهدت‌ها به بندگی وادارشان می‌نماید و به ناخوشایندها آزمونشان می‌کند تا خودپسندی را از دل‌هاشان بزدايد و خواری و فروتنی را در جان‌هایشان جایگزین سازد، و آن را درهایی برای بخشش و وسیله‌هایی برای آمرزش او قرار دهد». (رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، خطبه ۱۹۲) پس سختی‌ها نقش تصفیه و تخلیص دارد و انسان

را از مراتب پست وجود، به مراتب عالی وجود متحول خواهد ساخت و تأثیر آن بر شاکله انسان بدیهی است.

**هفتم) کار کردن:** انسان هم آفریننده کار است و هم به شدت متأثر از آن؛ به گونه‌ای که کار بر روح و جان انسان تأثیر می‌گذارد و نقش مهمی در رشد ابعاد مختلف وجود او دارد. با کار کردن، انسان کرامت خود را حفظ می‌کند. خداوند زمین را سراسر نعمت قرار داده است تا انسان در آن تلاش کند، تربیت یابد و به سوی کمال حرکت کند. کار موجب فعلیت قوای آدمی می‌شود؛ زیرا سختی‌های کار، نشاط مقاوم و کمال انسان را افزایش می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۹۵، ۴۴۶/۵)

در روایات معصومین علیهم‌السلام آمده است: «خدای متعال بنده مؤمن اهل حرفه را دوست دارد». (هندی، ۱۴۰۹، ۴/۴) کار و تلاش نوعی عبادت و بندگی است که تربیت و کمال انسان را به همراه دارد. در حدیث قدسی آمده است: «عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن، کار کردن در طلب حلال است» (دیملی، ۱۳۹۸، ۲۰۳/۱). امیرالمؤمنان علیه‌السلام نیز فرمود: «خوشا! آن که کسبی پاکیزه داشته باشد» (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۲۳). کار، روح انسان را تصفیه و مواهب باطنی را جلا می‌دهد. انسان با پرداختن به کار، تهذیب می‌شود؛ زیرا کار مسئولیت ایجاد می‌کند و انجام آن انسان را مهذب می‌سازد. از طریق کار، انسان فعال، هدفمند و منسجم با دیگر اجزای عالم می‌شود و به تکامل مطلوب می‌رسد (منعمیان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). امیرالمؤمنان علیه‌السلام فرموده است: «مردمان فرزند تخصص‌های خویش‌اند» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۹/۱). بنابراین، مهارت و توانایی انسان میزان ارزش و جایگاه او را مشخص می‌کند (حکیمی، ۱۳۹۵، ۴۴۰/۵). در اندیشه دینی، کار شرافتمندانه ارزش جهاد در راه خدا را دارد: «درآمدنتان در آغاز صبح برای جهاد در راه خدا، از کسی که برای تأمین زندگی خود کار می‌کند، بالاتر نیست». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۳/۱۳) اهل ایمان بیشترین کار و سازندگی را دارند: «وقت مؤمن پُر است و مؤمن هیچ‌گاه بیکار نیست» (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۳۳۳). بنابراین، کار و کسب روزی حلال از عوامل مهم غیروراثتی مؤثر بر شاکله انسان است.

هشتم) تکرار و مداومت: بر مبنای شاکله انسان، در ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار باید از مجرای تکرار وارد شوید. بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می‌شوند؛ حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه عمل است؛ «لا یثبت الايمان الا بالعمل» (کلینی، ۱۳۸۱، ۳۸/۲) و هر قدر عمل مکررتر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر می‌شود. همچنین در تربیت دینی این اصل وجود دارد که از راه ظاهر و عمل ظاهری می‌توان در باطن نفوذ داشت و برعکس این هم امکان دارد (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۱) کودک را باید به ظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل بگیرد.

تجارب علمی نشان داده‌اند که تکرار یک عمل - اگر ابتدا با ریا انجام شود - می‌تواند به شکل‌گیری عادت منجر شود و در صورت تغییر نیت، آن عمل به عبادتی خالص تبدیل شود. برای مثال فردی که از روی ریا نماز شب می‌خواند، با تکرار ممکن است به تهجد واقعی خو بگیرد. از این رو، تشویق کودک به تکرار ظاهری عبادت، علاوه بر تقویت انس با عبادت و ایجاد عادت، نوعی تربیت دینی و وسیله‌ای برای سرگرمی و لذت او نیز به شمار می‌رود؛ چراکه طبیعت کودک با تکرار سازگار است. (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲) تکرار، نقش مهمی در یادگیری دارد و می‌تواند به ایجاد عادت منجر شود، به گونه‌ای که حتی ترک عبادتی مانند نماز باعث نگرانی کودک می‌شود. همچنین تکرار موجب از بین رفتن کراهت نسبت به برخی امور می‌شود؛ مانند پزشک یا آزمایشگاهی که ابتدا با دیدن خون یا بافت دچار تنفر می‌شود، اما با انجام مکرر، این احساس برطرف می‌گردد (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). پس تکرار و مداومت موجب تبدیل شدن اعمال به عادت‌ها می‌شود و تأثیر به‌سزایی در شاکله انسان دارد.

### ۲-۲-۳. عوامل ماوراء طبیعت

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شاکله انسان عوامل ماوراء طبیعت است که در تعیین سرنوشت انسان، اهمیت منحصر به فردی دارد و از مرز اقتضای پیشی گرفته و می‌تواند علت تامه برای اعمال انسان باشد. در واقع انسان به خودی خود بر سر دو راهی سعادت و شقاوت قرار گرفته است و می‌تواند هر کدام را به اختیار خود برگزیند و هر راهی را اراده کرد طی کند، با توجه به اینکه هر یک

از این دوره، جزاء و پاداش و آثار متناسب با خود را خواهد داشت و سرنوشت او در گروی همین انتخاب اوست.

**اول نیت:** نیت، امری قلبی و باطنی است و در اصطلاح، فعل نفسانی گفته می‌شود. فعل‌ها دوگونه‌اند: برخی افعال مربوط به اعضای بدن می‌شود، مثل خوردن و آشامیدن که افعال جوارحی نام دارد و برخی دیگر از افعال مربوط به قلب و نفس انسان هستند، مثل حسن ظن و سوء ظن و نیت که به اینها افعال جوانحی می‌گویند. نیت، کشش و توجه درونی انسان به هدف نهایی یک عمل است و به مثابه فعلی نفسانی، روح عمل به شمار می‌آید. همان‌طور که انسان دارای جسم و روح است، رفتار او نیز دارای جسم (ظاهر عمل) و روح (نیت) است و همان‌گونه که شاکله انسان به روح او قوام می‌یابد، قوام رفتار نیز به نیت بستگی دارد. (غرویان، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸) در روایات آمده است: «ارزش اعمال وابسته به نیت افراد است» (نراقی، بی تا، ۲/۲۴۴) و نیز آمده است: «به راستی به دلیل نیت هاست که اهل بهشت در بهشت، و اهل دوزخ در دوزخ جاویدند» (مجلسی، ۱۳۸۲، ۶۷/۲۱۲). از این روایات استفاده می‌شود که نیت، نقش اساسی را در میزان ارزش يك عمل ایفا خواهد کرد تا آن جا که اصل بهشتی یا دوزخی شدن انسان و بالطبع، خلود یا عدم خلود در بهشت و دوزخ وابسته به آن شمرده می‌شود.

نسبت نیت به اعمال، همچون نسبت سرچشمه به آبی است که از آن بجوشد. اگر سرچشمه آلوده باشد، آب جاری از آن نیز آلوده می‌شود. نیت، کانون اعمال و مانند کوزه‌ای پر آب است، اگر درون کوزه پاک باشد، آب آن نیز پاک و گواراست، و گرنه آب نیز آلوده خواهد بود. اسلام نیت را سرچشمه اعمال و ساختار وجود انسان را در رابطه تنگاتنگ با نیت دانسته و به پاک نگه داشتن نیت بسیار سفارش کرده است. (اسحاقی، ۱۳۸۹، ۱۵۹) بنابراین، اگر نیت پاک، با اختیار انسان شکل بگیرد، نگرش و خلق و خوی پسندیده‌ای را در آدمی ایجاد خواهد کرد و در نتیجه، آثار نیک آن در عمل آشکار خواهد شد؛ چنانکه نیت بد، سبب خلق و خوی انحرافی و آلوده است و زاینده عمل بد می‌شود. از طرفی، شاکله هر فرد نیز متناسب با نیت‌هایش شکل می‌گیرد. در نتیجه، نیت تأثیر چشم‌گیری در شاکله انسان دارد.

دوم) ایمان و باور: از دیگر مراحل و عوامل اصلی شکل‌گیری رفتار اخلاقی، مقوله ایمان نام دارد. افراد به رفتاری مبادرت می‌ورزند که به باوری درونی نسبت به آثار و نتایج آن رسیده‌اند. هر جا باور ایجاد نگردد، از آن رفتار رویگردان شده‌اند. بنابراین، هر جا فردی برخلاف باور خود عمل کند، نه چنین است که به آن عمل باور ندارد، بلکه او در انتخاب عمل به طور حقیقی به باوری رسیده است. این امر در مقوله علم و عمل نیز چنین است؛ یعنی فرد رفتاری را انجام می‌دهد که در حوزه آن، به علم رسیده باشد و نمی‌توان بدون آگاهی عملی را به انجام رساند. ایمان، همان باور درونی یا قلبی انسان نسبت به موضوعی است. غالب لغت‌شناسان عرب آن را به معنای سکون، آرامش و ضدخوف و ترس آورده‌اند و به‌عنوان تصدیق قلبی بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۳/۱۷).

ترس و اضطراب زمانی ایجاد می‌شود که فرد نسبت به موضوعی دچار ابهام باشد. علم با روشن‌سازی امور، اطمینان و زمینه عمل را فراهم می‌کند. ایمان نیز همین نقش را دارد، اما با قدرتی بیشتر؛ زیرا علاوه بر آگاهی، مبتنی بر گرایش درونی است. ایمان با ترکیب علم و احساس، هم‌بینش می‌آفریند و هم‌انگیزه و شوق برای عمل ایجاد می‌کند، درحالی‌که دیگر عوامل درونی چنین تأثیری ندارند. (غیائی، ۱۳۹۲، ۳۶/۱۳ - ۱۹) بنابراین، از دیدگاه اسلام، ایمان نقش مهمی در شکل‌گیری شاکله انسان خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمود: شاکله انسان در گرو ایمان خود است (خوانساری، ۱۳۷۳، ۶۲/۱). قرآن در این زمینه فرموده است: «من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آنان که به خداوند ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد» (مائده: ۶۹). پس ایمان و باور قلبی تأثیرهای گوناگونی بر شکل‌گیری شاکله انسان دارد و از این جهت در این مسئله برای ما حائز اهمیت است.

سوم) اراده و عمل: اراده مرحله‌ای است که در آن رفتار درونی به صورت ظاهری بروز می‌یابد، اما نباید آن را عاملی مستقل و محدود به آغاز عمل دانست، بلکه در تمام مراحل رفتار حضور دارد. اراده ترکیبی از میل، نیاز و آرزو است و به معنای تمایل نفس به انجام یا ترک کاری به دلیل شایستگی آن عمل به کار می‌رود؛ بنابراین، هم به آغاز و هم به پایان یک رفتار اشاره دارد. (غیائی،

۱۳۹۲، ۱۳/۳۶-۱۹) بنابراین، در هر مرحله‌ای، چه در حوزه درونی و چه بیرونی، اگر رفتاری محقق گردد، قبل از آن اراده به رفتار پیشی می‌گیرد. در حقیقت، اراده خود نوعی عمل است که در افراد و کارها ممکن است تفاوت داشته باشد. یکی اراده می‌کند در عالم خیال به سوی تصورات نیک و مفید برود و دیگری، اراده بر تخیلات منفی و مضر می‌کند. یکی اراده بر ادراک امور مفید و معنوی دارد، و دیگری اراده بر امور مادی و شهوت می‌کند. اینجاست که اراده چون علم و ایمان به همراه و ملازم عمل است؛ یعنی هر رفتاری که از انسان سر می‌زند، تابعی از علم، ایمان و اراده او نیز خواهد بود (غیائی، ۱۳۹۲، ۱۳/۳۶-۱۹). بنابراین، عامل اراده نیز جایگاه ویژه‌ای بر شاکله انسان دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إنا هدیناه السبیل إنا شاکرا و إنا کفورا؛ ما انسان را به راه (حق و باطل) رهنمون شدیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» (دهر: ۳).

در واقع خداوند توسط پیامبران راه سعادت و نجات را به انسان نشان داده و این خود انسان است که در تعیین سرنوشت و شکل‌گیری شاکله خود، مؤثر خواهد بود و می‌تواند نوع شاکله خود را مشخص کند. در اسلام، اراده و اختیار مهم‌ترین شروط تکلیف شرعی به‌شماره می‌آیند و بدون آن انسان مستحق عقوبت نمی‌شود و تکالیف شرعی بر عهده او لازم نخواهد گردید. (همت بناری، ۱۳۸۶، ۹/۱۱۹) همچنین در اسلام، بر رفتار و عمل صالح بسیار تأکید شده و اعمال و رفتارهایی که از اراده و اختیار انسان نشأت‌گیرند تأثیر چندانی بر شکل‌گیری شخصیت وی نخواهند داشت. خدای متعال انسان را به مسیری که او را به غایت مطلوب (حق) می‌رساند، ارائه طریق می‌کند و در این راه اکراه و اجباری نگذاشته است. از آنجا که خیر مطلق به معنای سعادت مطلق است و سعید به طور اطلاق آن است که موجود کامل بوده باشد، پس سعادت هر کس نتیجه تلاش خود او خواهد بود. (منعمیان، ۱۳۹۴، ۱۵۶) امیرمؤمنان علیه السلام در این باره فرموده است: «خوشبخت کسی است که خود را به پاکی پرورش دهد و بدبخت کسی است که به ناپاکی گراید» (رضی، ۱۴۱۴ ه.ق، خطبه ۸۴). بنابراین، علاوه بر نیت و باور، عامل اراده تأثیر مهم و ویژه‌ای بر

شاکله انسان دارد و مطابق با آنها سعادت و شقاوت فرد تعیین می شود و باز خواست الهی صورت خواهد گرفت.

### ۳. نتیجه‌گیری

در نوشتار تأثیر عوامل وراثتی، غیروراثتی (خانواده، جامعه، آموزش، دین و شرایط زندگی) و عوامل ماوراء طبیعت (نیت، اراده، ایمان و باور) بر شاکله انسان را بررسی شد. عوامل وراثتی و غیروراثتی نقش مهمی دارند، اما علت قطعی رفتار و سرنوشت انسان نیستند؛ عوامل ماوراء طبیعت نقش تعیین‌کننده و اصلی دارند. سعادت یا شقاوت انسان ذاتی نیست و نتیجه اعمال و انتخاب‌های اوست. اهمیت عوامل وراثتی و غیروراثتی در فراهم کردن زمینه بروز رفتارها و آسیب‌ها قابل توجه است، اما جایگاه عوامل ماوراء طبیعت همچنان اصلی و تعیین‌کننده است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- \* نهج البلاغه (۱۳۷۹). دشتی، محمد. قم: نشر الهادی.
- ۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه. مصر: دار‌احیاء الکتب العربیه.
- ۲. ابن‌خلدون، محمد (۱۹۰۸). تاریخ ابن‌خلدون. بیروت: دار‌احیاء التراث العربی.
- ۳. اسحاقی، حسین (۱۳۸۹). کلک معرفت: گلبگ‌هایی از معارف دینی. قم: مشعر.
- ۴. اسلامی توکمبور، ناصر (۱۳۹۶). تحلیل محتوای آیه شاکله با رویکرد تفسیری و روایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ۵. ایازی، سیدمحمد (۱۳۹۸). اخلاق در اسلام: مبانی و مصادیق. تهران: دانشگاه مفید.
- ۶. آخوندی، محمد باقر (۱۳۹۵). روانشناسی اسلامی: مبانی و مفاهیم. تهران: سمت.
- ۷. بحرانی، میثم بن علی (۱۳۹۲). ترجمه شرح نهج البلاغه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ه.ق). غرر الحکم و دررالکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.
- ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). معارف قرآن: از دیدگاه اخلاقی. تهران: اسراء.
- ۱۰. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۹۳). معارف و معاریف. تهران: سپید موی اندیشه.
- ۱۱. حکیمی، محمد رضا (۱۳۹۵). الحیاه (ترجمه احمد آرام). قم: فرهنگ اسلامی.
- ۱۲. حلو، مشتاق (بی‌تا). پیش‌درآمدی برای آشنایی با پیام‌های تربیتی مکتب عاشورا. بی‌جا: بی‌نا.
- ۱۳. حلی، احمد بن فهد (۱۴۰۷ ه.ق). عده داعی و نجاح ساعی. مصحح: موحدی قمی، احمد. بیروت: دارالمرتضی.
- ۱۴. خوانساری، محمد (۱۳۷۳). شرح غرر الحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵. داودی، محمد (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶. دردمند، مهدی (۱۳۹۵). راهکارهای مدیریت رفتار اخلاقی در راستای بهبود شاکله اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قرآن و حدیث قم.
۱۷. دیملی، ابو محمد (۱۳۹۸). الطبعة الرابعة. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). المفردات فی غریب القرآن. مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا. تهران: مرتضوی.
۱۹. سراج، مهدی (۱۳۹۶). شاکله انسانی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه دین و روان‌شناسی، ۲(۵)، ۷۵-۹۸.
۲۰. سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۷۷). راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان. قم: فرهنگ اسلامی.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل (الف) (۱۴۱۲ ه.ق). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (ب) (۱۴۱۲ ه.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. لبنان: دارالمعرفه.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. محقق: سید احمد الحسینی. تهران: مرتضوی.
۲۵. طوسی، محمد (۱۴۱۸ ه.ق). تهذیب الاحکام. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: صدوق.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۳۱ ه.ق). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: اسلامی.
۲۷. عاملی، حر (۱۳۸۴). وسائل الشیعه. تهران: اسلامیه.
۲۸. غرویان، محسن (۱۳۷۹). فلسفه اخلاق. قم: پیک جلال.
۲۹. غیائی، غلامرضا (۱۳۹۲). عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام. نشریه معرفت اخلاقی، ۴(۱)، ۱۹-۳۶.
۳۰. فاضلی، محمد (۱۳۹۱). ایمان و روان‌شناسی: بررسی ساختار شخصیت از منظر دین و روان‌شناسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳۱. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
۳۲. فلسفی، محمدتقی (بی تا). الحدیث. تهران: فرهنگ اسلامی.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۶ ه.ق). الصافی فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه الصدر.
۳۴. قائمی، علی (۱۳۹۰). اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی. تهران: ستاد اقامه نماز.
۳۵. قبادی، فرشته، و درزی، قاسم (۱۳۹۷). سیر تحول معنایی انگاره شاکله در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک. نشریه تحقیقات علوم و حدیث، ۱۵(۴)، ۱۵۶-۱۸۴.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ه.ق). تفسیر القمی. محقق: موسوی جزائری، طیب. قم: دارالکتاب.
۳۸. قیم، عبدالنبی (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر میانه. تهران: فرهنگ معاصر.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱). الکافی. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). بحار الانوار. بیروت: اسلامیه.
۴۱. محمد علی نژاد عمران، روح‌الله، و شمخی، مینا (۱۳۹۹). مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی با مفهوم شاکله در قرآن. فرهنگ مشاوره و روان‌شناختی، ۱۱(۴۳)، ۱۵۹-۱۸۲.
۴۲. محمدی‌ری شهری، محمد (۱۳۸۰). سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۴۳. مشکینی، علی (۱۳۹۸). نقش دعا و توکل در تعالی انسان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری.

۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۲). نظریه سیاسی اسلام (تحقیق کریم سبحانی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۴۷. معلوف، لویس (۱۳۸۰). فرهنگ بزرگ جامع نوین. مترجم: سیاح، احمد. تهران: اسلام.
۴۸. منعیمان، شهرزاد (۱۳۹۴). شاخصه‌های تربیت آرمانی از نظرگاه امیرالمومنین علیه السلام. قم: عطر عترت.
۴۹. نراقی، ملا احمد (۱۴۰۳). معراج السعاده. قم: اسلامی.
۵۰. نراقی، ملا محمد مهدی (بی تا). جامع السعادات. بیروت: اعلمی.
۵۱. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ هـ.ق). مستدرک وسائل و مستنبط مسائل. بیروت: مؤسسه آل بیت احیاء تراث.
۵۲. همت بناری، علی (۱۳۸۶). شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن. نشریه معرفت، ۱۶(۱۱۹)، ۱۰۱-۱۲۳.
۵۳. هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ هـ.ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرسالة.